

ساختار و نتایج استعاره مفهومی بهشت در قرآن کریم*

□ سیدابوالقاسم حسینی (ژرفا)^۱

چکیده

یکی از موضوعاتی که همواره در کانون مباحث بلاغی قرآن پژوهان قرار داشته، استعاره و چگونگی تأثیر آن در زبان قرآن بوده است. با ظهور علوم شناختی و پس از معرفی نظریه استعاره مفهومی از جانب جرج لیکاف، این مطالعات دچار تحول گشته و روش‌هایی برای درک بهتر متون در پرتو این نظریه ارائه شده است. هدف پژوهش حاضر که به روش توصیفی - تحلیلی و با تجزیه و تحلیل کیفی انجام شده است، بررسی شواهدی از استعاره‌های مفهومی در قرآن و نتایج حاصل از آن در مفهوم‌سازی برای مخاطبان این کتاب آسمانی می‌باشد. بدین منظور، مفهوم بهشت به عنوان مورد مطالعه انتخاب و سپس به بررسی استعاره‌های مفهومی آن در دامنه آیات مرتبط با بهشت پرداخته شده و در نهایت ساختاری از آن‌ها ارائه گردیده است. همچنین شواهدی از این نوع استعاره در روایات پیشوایان معصوم علیهم‌السلام ارائه شده است. با دقت در ساختار مذکور مشخص

می‌شود که بهشت توسط چه مواردی مفهوم‌سازی شده و چگونه در تجربیات روزمره ما از زندگی ریشه دارد.

واژگان کلیدی: استعاره مفهومی، بهشت، قرآن، جرج لیکاف، تاریخیت.

مقدمه

یکی از زیرشاخه‌های مباحث بلاغی قرآن، مبحث استعاره است که در کنار مجاز و کنایه و تشبیه، همواره مورد توجه اندیشمندان این حوزه بوده و به عنوان یکی از شگردهای زیبایی‌آفرینی کلام خداوند بررسی شده است (ر.ک: معمر بن مثنی تیمی، ۱۴۰۱). با ظهور علوم شناختی^۱ و نظریات زبان‌شناسی شناختی،^۲ تحولی چشمگیر در شاخه‌های مختلف ادبیات و فلسفه و زبان‌شناسی پدید آمد. یکی از این نظریات، نظریه «استعاره مفهومی» است که بر اساس آن، استعاره در ابتدا ویژگی تفکر است، نه زبان؛ یعنی به نحوه اندیشیدن انسان مربوط می‌شود. بر این اساس، تفکر اساساً خصلت استعاری دارد و بسیاری از مفاهیم مربوط به یک حوزه را در قالب مفاهیم حوزه‌ای دیگر که از طریق یک رابطه به حوزه اول مرتبط می‌شوند، می‌توان درک کرد.

این نظریه تفاوت‌هایی اساسی با نظریه سنتی استعاره دارد. محققان معاصر با استفاده از این نظریه به بررسی مجدد متون مختلف پرداخته و ویژگی‌های آن‌ها را بازخوانی و بازبازی نموده‌اند. متن قرآن کریم نیز از آن جهت که برای مخاطب بشری و به زبان او نازل شده است، می‌تواند با این شیوه مورد بررسی قرار گیرد. در این پژوهش توصیفی - تحلیلی، به دنبال استفاده روشمند از این شیوه هستیم تا با بررسی فضاهای استعاری در قرآن کریم، تحلیل نماییم که در پرتو این نظریه، به چه نتایجی می‌توان دست یافت.

مورد مطالعه این پژوهش، مفهوم «بهشت جاوید» است. از نگاه قرآن، هدف نهایی آفرینش انسان و جهان، بازگشت به خداوند است که مقصود از آن، حضور انسان در قیامت و دیدن کارنامه عمل خویش به صورت درجات بهشت یا ذرکات دوزخ است (محمدی ری‌شهری، ۱۳۹۰: ۸-۷). از این رو، شناخت مفهوم بهشت از صدر اسلام برای مسلمانان

1. Cognitive sciences.
2. Cognitive linguistics.

اهمیت فراوان داشته است. در این پژوهش می‌کوشیم تا دریابیم که خداوند چگونه مفهوم بهشت را از طریق استعاره‌های مفهومی، برای مخاطبانش مفهوم‌سازی نموده است.

استعاره مفهومی

با ظهور علوم شناختی در اواسط قرن بیستم میلادی، تحولات اساسی در بسیاری از علوم مانند فلسفه، روان‌شناسی، هوش مصنوعی، عصب‌شناسی و زبان‌شناسی پدید آمد. سه دهه بعد، روش متمایزی از نظریه‌پردازی پیرامون زبان و ذهن و معنا، در آثار زبان‌شناسانی چون چارلز فیلمور،^۱ الانر راش،^۲ جورج لیکاف،^۳ رونالد لنگاکر^۴ و پیروان آنها شکل گرفت که به زبان‌شناسی شناختی معروف گردید. زبان‌شناسی شناختی، جنبه زبانی تلاش‌های دانشمندان علوم شناختی است. این رشته با ارائه شواهدی، به تقویت این نظریه پرداخت که شیوه یادگیری و پردازش زبان همانند شیوه یادگیری و پردازش دیگر بخش‌های شناخت انسان است (لینتل‌مور و تیلور، ۱۳۹۵: ۱۱). یکی از برجسته‌ترین پایه‌گذاران زبان‌شناسی شناختی که در زمینه استعاره پژوهش نمود، جرج لیکاف (زاده ۱۹۴۱ م.) است. او که نخست از موافقان رویکرد صورتگرایی چامسکی بود، در دهه ۱۹۸۰، به نظریه معناشناسی گروید.

لیکاف و مارک جانسون،^۵ «نظریه معاصر استعاره»^۶ یا «نظریه استعاره مفهومی»^۷ را با انتشار کتاب *استعاره‌هایی که با آنها زندگی می‌کنیم*^۸ در سال ۱۹۸۰ معرفی نمودند. همچنین لیکاف در سال ۱۹۹۳ مقاله «نظریه معاصر استعاره» را منتشر کرد. انتشار کتاب و مقاله فوق، موجی از تولیدات علمی را طی چند دهه در مجامع علمی و دانشگاهی، نشست‌ها و نشریات علمی پژوهشی به دنبال داشت (Dancygier & Sweetser, 2014: 2).

1. Charles Fillmore.
2. Eleanor Rosch.
3. George Lakoff.
4. Ronald Langacker.
5. Mark Johnson.
6. The Contemporary Theory of Metaphor.
7. Conceptual Metaphor Theory (CMT).
8. Metaphors We Live By.

جانسون متوجه شده بود که بیشتر دیدگاه‌های سنتی فلسفی، نقش اندکی برای استعاره در فهم جهان قائل هستند. لیکاف شواهدی زبانی را یافته بود که نشانگر حضور استعاره در اندیشه روزمره ماست. این شواهد نه تنها با هیچ یک از نظریه‌های فلسفی و زبان‌شناسی انگلیسی و آمریکایی سازگار نبودند، بلکه تجدیدنظر در فرض‌های اساسی سنت فلسفی غرب پیرامون استعاره را اقتضا می‌کردند (لیکاف و جانسون، ۱۳۹۷: ۷-۸).

برای توضیح استعاره مفهومی به اختصار، از مثال «عشق سفر است» کمک می‌گیریم. ذیل این استعاره، جملاتی از این قبیل دیده می‌شوند:

رابطه ما به بن بست خورده است.

ما بر سر دوراهی قرار گرفته‌ایم.

این رابطه به جایی نمی‌رسد.

یک راه طولانی و پردست‌انداز را آمده‌ایم.

این رابطه، یک خیابان بن بست است.

رابطه ما به گل نشسته است.

از ریل خارج شده‌ایم.

در تمامی این موارد، مفهوم عشق به کمک سفر، «مفهوم‌سازی» شده است. زبان روزمره عبارت‌های فراوانی دارد که مبتنی بر این قبیل مفهوم‌سازی‌ها هستند و نه تنها به هدف گفتگو درباره چیزی مانند عشق، بلکه برای استدلال در مورد آن به کار می‌روند. لیکاف معتقد است یک اصل کلی در این زمینه وجود دارد که چگونه عبارت‌های زبانی مربوط به سفر، برای توصیف عشق به کار رفته و همچنین چگونه الگوهای استنباط مربوط به سفر، برای استدلال درباره عشق به کار می‌روند. (این اصل نه بخشی از دستور زبان است و نه بخشی از واژگان آن؛ بلکه بخشی از نظام مفهومی زیربنای زبان است. این اصل همانند یک سناریوی استعاری است) (لیکاف، ۱۳۹۷: ۳۲۶-۳۲۷).

دلیل استفاده ما از استعاره‌های مفهومی این است که تعداد بسیاری از مفاهیمی که برای ما مهم هستند، یا انتزاعی‌اند و یا تصویر روشنی در تجربه ما ندارند. بنابراین برای فهم آن‌ها ناچاریم از مفاهیم دیگری استفاده نماییم که برای ما روشن‌تر هستند (لیکاف و جانسون، ۱۳۹۷: ۱۴۳). در واقع، استعاره مفهومی شامل فهم یک حوزه از تجربه، مانند عشق، بر حسب یک

حوزه بسیار متفاوت از تجربه، مانند سفر است. به زبان فنی تر، استعاره را می توان نگاشتی^۱ از یک حوزه مبدأ^۲ (سفر) برای یک حوزه مقصد/ هدف^۳ (عشق) تصور کرد (همان: ۳۲۷).

مفهوم بهشت در قرآن کریم

تصویر بهشت در قالب اوصاف متعدد، در بسیاری از سوره های قرآن مخصوصاً سُور مکی آمده است (سیدجوادی، ۱۳۷۵: ج ۳، ذیل بهشت). عمومی ترین نام بهشت در قرآن کریم، «جَنَّة» است (مرکز فرهنگ و معارف قرآن، ۱۳۸۷: ذیل بهشت). به گفته ابن عباس (م. ۶۸ ق.). جَنَات در قرآن به لفظ جمع آمده است؛ زیرا لغات دیگری نیز در قرآن برای بهشت آخرت آمده اند که از این قرارند: جَنَّة الفردوس، عدن، جَنَّة النعیم، دار الخلد، جَنَّة المأوی، دار السلام و عَلَیْن (راغب اصفهانی، ۱۳۶۹: ۴۱۵/۱). واژه «جَنَّة» از ریشه «ج ن ن» گرفته شده که به معنای «پوشیده بودن» است (مرکز فرهنگ و معارف قرآن، ۱۳۸۷: ذیل بهشت). راغب اصفهانی «جَنَّة» را هر باغ و بستانی می داند که دارای درختان انبوه است و زمین را می پوشاند و دلیل نامیده شدن بهشت به آن، یا به جهت شباهت میان باغ های زمین و بهشت است و یا به دلیل پوشیده بودن نعمت های آن از ما (راغب اصفهانی، ۱۳۶۹: ۴۱۴/۱-۴۱۵). البته وجوه دیگر نیز برای این نام گذاری ذکر شده که به همین معنای «پوشیدگی» بازمی گردند (مرکز فرهنگ و معارف قرآن، ۱۳۸۷: ذیل بهشت).

جَنَّة و مشتقاتش در قرآن، در چهار معنا به کار رفته اند (محمدری شهری، ۱۳۹۰: ۷-۸):

بهشت آدم: جایگاه آدم و حوای عَلِیَّهِمَا السَّلَام پیش از هبوط به دنیا (۶ مورد)؛

بهشت دنیا: باغ های همین جهان (۲۵ مورد)؛

بهشت برزخ: جایگاه ارواح نیکوکاران در جهان پس از مرگ (۱ مورد)؛

بهشت موعود: جایگاه نیکوکاران در عالم آخرت (۱۱۷ مورد).

در این پژوهش، معنای چهارم یعنی بهشت آخرت که «اقامتگاه ابدی مؤمنان و صالحان رستگار در جهان آخرت» است (سیدجوادی، ۱۳۷۵: ج ۳، ذیل بهشت) مطالعه می شود.

1. Mapping.
2. Source domain.
3. Target domain.

امکان تحقق وجه استعاره بهشت

بنا بر تعریف لیکاف، هر گاه مفهومی کمتر قابل فهم، خواه انتزاعی و خواه مادی، در قالب مفهومی بیشتر قابل فهم، مفهوم‌سازی شود، با استعاره مفهومی مواجه هستیم. بنابراین کافی است نشان دهیم بهشتی که قرآن معرفی می‌نماید، برای مخاطبانش غریب و دور از فهم بوده و خداوند از طریق استعاره‌های مفهومی متعدد، این مفهوم پوشیده را آشکار ساخته است. این پوشیده‌ماندگی همان خصلتی است که با معنای لغوی جنت نیز سازگاری دارد.

در سخن مفسران، فلاسفه، متکلمان و محدثان، چند دیدگاه درباره بهشت و دوزخ وجود دارد. گروهی بهشت را دنیایی و این‌جهانی دانسته و برخی آن را غیر مادی شمرده و نعمت‌ها و صفات آن را صرفاً تعبیراتی مجازی در اشاره به حقایقی غیر قابل درک برای عموم مردم به شمار آورده‌اند. بنا بر گرایش اول، هر گونه تأویل از بهشت و نعمت‌های آن باطل است. اما گروه دوم سعی می‌کنند که توصیفات قرآن برای بهشت را به معنایی فراتر از ظاهر تأویل نمایند (موسوی بجنوردی، ۱۳۸۳: ج ۱۳، ذیل بهشت). اگر بهشت موعود مادی نباشد، قطعاً با مفاهیم استعاره‌ی روبه‌رو هستیم. البته بنا بر گرایش نخست نیز بهشت موعود، اگرچه به طور مادی معرفی می‌گردد، به کلی با ویژگی‌های باغ‌های این دنیا تفاوت‌های اساسی دارد و مخاطبان قرآن، با بهشتی متفاوت و امری دور از فهم عادی از باغ و بستان دنیوی روبه‌رو هستند. بدین ترتیب، آیات قرآن در زمینه بهشت را در هر حال می‌توان به طور استعاره‌ی فهم نمود.

بر پایه این توضیحات باید گفت که در نظر مشهور مفسران و عالمان مسلمان، بهشت دارای حقیقتی متعین و عینی است و نمی‌توان بر اساس نگاه بلاغت سنتی، آن را مفهومی ذهنی و استعاره‌ی دانست. اما با رویکرد استعاره مفهومی، اصولاً هر گاه مفهوم کمتر قابل فهم در قالب مفهوم بیشتر قابل فهم، بازسازی شود، با استعاره مواجه هستیم، اما نه استعاره سنتی، بلکه استعاره مفهومی. به این ترتیب، در آغاز این مقاله باید تصریح کنیم که هدف از بیان استعاره مفهومی بهشت، این است که گفته شود بهشت مفهومی ذهنی است و مابازای بیرونی ندارد.

استعاره‌های مفهومی بهشت

۱. بهشت مکان / ظرف / باغ / ساختمان و... است

معمولاً مفسران و محدثان اشاره نکرده‌اند که می‌توان فهمی استعاری از بهشت بر اساس مفهوم مکان داشت. اما از پربسامدترین استعاره‌های مفهومی بهشت در قرآن کریم، مواردی هستند که بهشت را در قالب مکان معرفی کرده‌اند. این استعاره‌ها فراوان‌اند و در فهم مخاطبان قرآن از بهشت تأثیر مستقیم دارند. در آیاتی از قرآن کریم، عباراتی مثل «فیها» (بقره/ ۲۵، ۸۲ و...) برای اشاره به بهشت یافت می‌شوند. چنین عباراتی، مبتنی بر استعاره مفهومی «بهشت ظرف است» و در مرحله‌ای خاص‌تر، «بهشت مکان است» هستند.

آیاتی مانند «أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تُدْخَلُوا الْجَنَّةَ» (بقره/ ۲۱۴)، «فَمَنْ زُحِرَ عَنِ النَّارِ وَأُدْخِلَ الْجَنَّةَ» (آل عمران/ ۱۸۵)، «وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ يُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ» (نساء/ ۱۳) و آیات مشابه دیگر را که متضمن معنای «داخل شدن به بهشت» می‌باشند، نیز می‌توان مبتنی بر استعاره مفهومی «بهشت مکان است» دانست؛ چرا که بهشت باید دارای حیثیت مکانی باشد تا امکان ورود یا خروج داشته باشد.

در برخی آیات، از درهای بهشت سخن رفته است؛ مانند «جَنَّاتٍ عَدْنٍ مُمْتَحَنَةً لَهُمُ الْأَبْوَابُ» (ص/ ۵۰) و «وَسِيقَ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ إِلَى الْجَنَّةِ زُمَرًا حَتَّىٰ إِذَا جَاؤُوهَا وَفُتِحَتْ أَبْوَابُهَا» (زمر/ ۷۳). در این موارد می‌توان استعاره مفهومی «بهشت، ساختمان است» یا «بهشت، مکانی دارای در است» را در نظر گرفت. فرش‌های بهشت در آیات «وَفُرُشٍ مَرْفُوعَةٍ» (واقع/ ۳۴) و «مُتَكِّئِينَ عَلَىٰ فُرُشٍ بَطَائِنُهَا مِنْ إِسْتَبْرَقٍ» (رحمن/ ۵۴) نیز از همین ساختار مفهومی پیروی می‌کنند.

استعاره‌های «بهشت باغ است»، «بهشت باغ پردرخت است» و «بهشت باغ پرثمر است» و مشابه آن‌ها را نیز می‌توان ذیل همین مجموعه دانست. آیات فراوانی از قرآن کریم، ویژگی‌هایی از بهشت را این‌سان بازنمایی می‌کنند که دارای باغ یا باغ‌هایی سرسبز و آکنده از انواع درخت‌ها، نهرها، جوی‌ها، میوه‌ها و... است. عبارت «جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ» (بقره/ ۲۵؛ آل عمران/ ۱۵؛ ...) را می‌توان نمونه پرتکرار این موارد

برشمرده. وجود چشمه‌ها و نهرها در بهشت، نمونه دیگری از اشاره به ماهیت باغ بودن بهشت است که در آیاتی چون ﴿إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ﴾ (حجر / ۴۵؛ ذاریات / ۱۵)، ﴿إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَنَهَرٍ﴾ (قمر / ۵۴) و ﴿عَيْنًا يَشْرَبُ بِهَا عِبَادُ اللَّهِ يُفَجِّرُونَهَا تَفْجِيرًا﴾ (انسان / ۶) آمده است. درختان بهشتی نیز که در آیات سوره واقعه وصف شده‌اند، بر اساس استعاره‌های فوق قابل فهم هستند: ﴿فِي سِدْرٍ مَّخْضُودٍ ۖ وَطَلْحٍ مَّنْضُودٍ ۖ وَمَاءٍ مَّسْكُوبٍ ۖ وَفَاكِهَةٍ كَثِيرَةٍ ۖ لَا مَقْطُوعَةٍ وَلَا مَمْنُوعَةٍ﴾ (واقعه / ۲۸-۳۳). همچنین سایه‌های بهشت در آیاتی مانند ﴿وَوَدَّعَلَهُمْ ظِلًّا ظَلِيلًا﴾ (نساء / ۵۷) و ﴿أَكُلْهَا دَائِمًا وَظِلُّهَا﴾ (رعد / ۳۵) و میوه‌های آن نیز در آیاتی مانند ﴿لَهُمْ فِيهَا فَاكِهَةٌ وَلَهُمْ مَا يَدْعُونَ﴾ (یس / ۵۷) و ﴿لَكُمْ فِيهَا فَاكِهَةٌ كَثِيرَةٌ مِنْهَا تَأْكُلُونَ﴾ (زخرف / ۷۳) بر اساس استعاره‌های مفهومی «بهشت باغ / سرسبز / پرثمر است» ظهور زبانی یافته‌اند.

۲. بهشت شیء / شیء قابل شمارش / شیء دارای ارزش و... است

در بخشی از آیات قرآن کریم، بهشت به عنوان شیء دارای ارزش در نظر گرفته شده که به ملکیت نیکوکاران درخواهد آمد: ﴿وَلِمَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ جَنَّاتٍ﴾ (رحمن / ۴۶). لام در «لمن» برای ملکیت است؛ یعنی آن شخص مالک دو بهشت می‌گردد (ابن عاشور، ۱۴۲۰: ۲۴۶/۲۷). وجود حرف لام، وجه استعاری دارد و می‌توان آن را به استعاره مفهومی «بهشت شیء قابل تملیک است» و به طور عام‌تر به استعاره «بهشت شیء است» بازگرداند. نیز قرآن می‌فرماید: ﴿وَبَشِّرِ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ﴾ (بقره / ۲۵). لفظ «لهم» نیز همان معنای ملکیت را دارد و نشان می‌دهد که بهشت میان آنان «تقسیم» می‌شود (صادقی تهرانی، ۱۴۰۶: ۱/۲۴۷).

در قرآن، از «بهشت‌ها» سخن رفته است؛ مانند: ﴿وَلِمَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ جَنَّاتٍ﴾. می‌توان این موارد را مبتنی بر استعاره مفهومی «بهشت شیء شمارش‌پذیر است» دانست. ویژگی دیگر بهشت این است که اندازه و طول و عرض دارد. با توجه به آیه ﴿جَنَّةٍ عَرْضُهَا السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ﴾ (آل عمران / ۱۳۳) می‌توان گفت که استعاره مفهومی «بهشت شیء دارای اندازه است» یا «بهشت مکان دارای وسعت» است، چنین نتیجه‌ای را در بر دارد که خداوند پهنای بهشت را به اندازه آسمان‌ها و زمین معرفی می‌نماید.

علامه طباطبایی منظور از «عرض بهشت» را وسعت آن می‌داند و تعبیری را که در این آیه آمده است، کنایه از وسعت بسیار زیاد بهشت می‌داند، به حدی که در خیال بشر ننگند (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۲۷/۴). در تفسیر المنار آمده است:

«مقصود از این تعبیر، مبالغه در وصف گستردگی بهشت است و آن را به وسیع‌ترین چیزی که مردم می‌شناسند، تشبیه کرده است» (رشیدرضا، ۱۴۱۴: ۱۳۲/۴).

آیه ﴿سَابِقُوا إِلَىٰ مَغْفِرَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا كَعَرْضِ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ﴾ (حدید/ ۲۱) نیز از همین دست است.

با توجه به آیه ﴿وَأُزْلِفَتِ الْجَنَّةُ لِلْمُتَّقِينَ﴾ (شعراء/ ۹۰؛ ق/ ۳۱) می‌توان استعاره مفهومی دیگری مانند «بهشت مکان یا شیء متحرک است» را استخراج نمود؛ زیرا هنگامی می‌توان بهشت را به چیزی نزدیک یا از آن دور کرد که قابل تحرک باشد. ممکن است گفته شود متقین که متحرک هستند، به بهشت نزدیک می‌گردند و بهشت ثابت است. اما کلمه «أزلفت» از مصدر «إزلاف» به معنای نزدیک کردن است (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۴۰۶/۱۵) و در اینجا، تعبیر نزدیک شدن، به خود بهشت نسبت داده شده است (مغنیه، ۱۴۲۴: ۵۰۴/۵).

۳. بهشت پاداش / جزا / ارث و ... است

در بسیاری از آیات قرآن، بهشت به عنوان پاداش و جزای نیکوکاران در نظر گرفته شده است. این مفهوم‌سازی با استعاره «بهشت پاداش است» انجام گرفته که خود، مبتنی بر استعاره‌های «بهشت شیء تملک‌پذیر است» و «بهشت شیء باارزش است» شکل گرفته است؛ زیرا معمولاً پاداش‌ها از میان اشیاء باارزش خواهند بود. اینکه بهشت شیء باارزش است، باعث می‌شود تا مخاطب قرآن آن را به عنوان پاداش، جزا، ارث و هر آنچه نیاز به این پیش‌فرض دارد، بپذیرد.

برای نمونه، آیه ﴿بَلَىٰ مَنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ فَلَهُ أَجْرُهُ عِنْدَ رَبِّهِ﴾ (بقره/ ۱۱۲) در چنین بستری شکل گرفته است. در این آیه و آیات مشابه، پاداش بهشتیان به خاطر دلیلی است که در ابتدای آیه ذکر می‌شود؛ مثلاً در آیات ﴿قُلْ أُو۟بَّئِكُم مِّمَّا كُنْتُمْ تُكْفِرُونَ﴾ (نساء/ ۱۳)، ﴿تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ يُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ﴾ (نساء/ ۱۳)،

رعایت تقوای الهی و اطاعت از خداوند، زمینه دستیابی به بهشت را فراهم می‌آورد. آیات دیگری مانند ﴿أُولَئِكَ جَزَاؤُهُمْ مَغْفِرَةٌ مِنْ رَبِّهِمْ وَجَنَّاتٌ﴾ (آل عمران / ۱۳۶)، ﴿جَزَاؤُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّاتٌ عَدْنٍ﴾ (بینه / ۸) و ﴿الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ سِرًّا وَعَلَانِيَةً فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ﴾ (بقره / ۲۷۴) از همین دست هستند.

بستر معنایی دیگری که می‌توان آن را سطح دیگری از استعاره عام «بهشت شیء دارای ارزش است» به شمار آورد، حوزه مبدأ ارث و میراث و استعاره مفهومی «بهشت ارث است» می‌باشد. بهشت در آیه ﴿الَّذِينَ يَرْتُونَ الْفِرْدَوْسَ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ﴾ (مؤمنون / ۱۱) به عنوان چیزی معرفی شده که قرار است به بندگان صالح خداوند به ارث برسد. در آیه ﴿وَنُودُوا أَنْ تُلَكُمُ الْجَنَّةُ أُورِثْتُمُوهَا بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ﴾ (اعراف / ۴۳) نیز بهشت به عنوان ارثیه‌ای برای مؤمنان معرفی شده است. علامه طباطبایی معتقد است که تعبیر از بهشت به ارث باعث می‌شود تا مخاطبان قرآن چنین استدلال کنند که فردوس برای مؤمنان، باقی و همیشگی است؛ زیرا ممکن است کسی ادعا کند که دیگران هم با ایشان در بهشت شریک هستند و بعد از مؤمنان، خداوند آن را به ایشان اختصاص می‌دهد (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۳/۱۵) «و تسمیه اعطا به ایراث آن است که در آخرت بی‌رنج و کُلُفْت به ایشان رسد؛ همچنان که مال میراث بدون تعب به وارث منتقل می‌شود» (کاشانی، ۱۳۳۶: ۳۲/۴).

۴. بهشت بهای معامله/ سود است

یکی از مواردی که مفهوم بهشت به عنوان حوزه معنایی مقصد نمی‌باشد، بلکه در یک استعاره مفهومی دیگر حضور دارد، جایی است که از دادوستد خبر می‌دهد و در آن، بهشت به عنوان ثمن معامله یا سود معرفی می‌گردد؛ برای مثال در آیه ﴿إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنْ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةُ﴾ (توبه / ۱۱۱)، در واقع می‌توان استعاره‌ای مثل «زندگی دادوستد است» را در نظر گرفت که چنین نگاشتی در آن وجود دارد:

مبدأ: دادوستد	مقصد: زندگی
فروشنده	مؤمنان
خریدار	خداوند
کالا (مبیع)	جان و مال مؤمنان
بهای معامله (ثمن)	بهشت

در اینجا می‌بینیم که بهشت به عنوان یکی از ارکان این نگاشت و جزئی از یک مفهوم‌سازی کلی‌تر قرار گرفته است. اما همچنان می‌توان گفت که استعاره مفهومی «بهشت بهای دادوستد است» نیز وجود دارد. بهشت در صورتی می‌تواند ثمن معامله قرار گیرد که شیء دارای ارزش باشد. بنابراین می‌توان آن را در سلسله استعاره‌های مفهومی، تحت استعاره «بهشت شیء با ارزش است» گنجانند. از آیه فوق، همچنین می‌توان فهمید که مؤمنان در چنین معامله‌ای قطعاً سود خواهند کرد. پس استعاره «بهشت سود است» را نیز می‌توان از دل این آیه استخراج نمود. این مفهوم را از آیات دیگر نیز می‌توان درک کرد. همچون: ﴿قَالَ اللَّهُ هَذَا يَوْمٌ يَنْفَعُ الصَّادِقِينَ صِدْقُهُمْ لَهُمْ جَنَّاتٌ﴾ (مائده/۱۱۹).

۵. بهشت پایان مسیر / وعده / هدف / و... است

از دیگر استعاره‌هایی که بخشی از آیات قرآن کریم جلوه‌ای از آن هستند، استعاره «زندگی سفر است» می‌باشد که لیکاف نیز به آن اشاره کرده است. در این استعاره، انسان‌ها مسافرنده و مقصد و نقطه پایانی این سفر، همان بهشت است. بهشت به مؤمنان وعده داده شده و آنان رسیدن به بهشت و البته رضوان الهی را به عنوان هدف نهایی خود انتخاب نموده‌اند. آیات زیادی در قرآن کریم، حاوی این معانی هستند؛ همچون: ﴿وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَنُدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا وَعَدَّ اللَّهُ حَقًّا﴾ (نساء/۱۲۲): ﴿وَعَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ عَظِيمٌ﴾ (مائده/۹): ﴿مَثَلُ الْجَنَّةِ الَّتِي وُعِدَ الْمُتَّقُونَ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ﴾ (عد/۳۵). بهشت پایان این مسیر است؛ زیرا خداوند دستور داده است تا مؤمنان برای رسیدن به آن، از یکدیگر سبقت جویند: ﴿وَسَارِعُوا إِلَى مَغْفِرَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ وَجَنَّةٍ﴾ (آل عمران/۱۳۳) و ﴿سَابِقُوا إِلَى مَغْفِرَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ وَجَنَّةٍ﴾ (حدید/۲۱). استعاره مفهومی «بهشت نتیجه است» نیز مشابه استعاره‌های مفهومی فوق، مبتنی بر مفهوم پایان مسیر بودن بهشت است. در قرآن کریم، بهشت به عنوان نتیجه عوامل بسیاری معرفی شده است؛ عواملی همچون پرهیز از گناه، احسان، اخلاص، آزار دیدن در راه خدا، استغفار، استقامت بر عقیده، اطمینان روح، امانت‌داری، امر به معروف، انابه، انفاق، ایثار، ایمان و تقوا (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۵: ۵۳۹/۶-۵۵۴).

۶. بهشت دارای درجات است

در برخی آیات قرآن با مفهومی از بهشت روبه‌رو هستیم که برخاسته از این معناست که بهشت دارای درجات مختلف است و همه درجات آن یکسان نیستند؛ از جمله در این آیه: ﴿وَمَنْ دُونِهِمَا جَنَّتَانٍ﴾ (رحمن / ۶۲) بعضی از مفسران کلمه «دونها» را به معنای «غیر» و برخی به معنای «پایین‌تر» دانسته‌اند (ابن عاشور، ۱۴۲۰: ۲۷/۲۵۲). در واقع، با دو بهشت دیگر روبه‌رو هستیم که پایین‌تر از دو بهشتی که پیشتر ذکر شد، قرار دارند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۲۳/۱۷۵). در اینکه منظور از پایین‌تر بودن چیست، نیز معانی مختلفی مانند تفاوت در فضیلت و درجه ذکر شده است (طبرسی، ۱۳۵۲: ۲۴/۱۱۹-۱۲۰). این وجه مفهومی از بهشت را می‌توان مبتنی بر استعاره مفهومی «بهشت دارای درجات است» دانست. اینکه دو بهشت پایین‌تر، از نظر فضیلت و شرافت در درجه نازل‌تری هستند، خود بر اساس استعاره‌های مفهومی «بالا باارزش و پایین بی‌ارزش است» می‌باشد.

این معنا در آیه ﴿فِي جَنَّةٍ عَالِيَةٍ﴾ (غاشیه / ۱۰؛ حاقه / ۲۲) نیز دیده می‌شود. بلندی بهشت را در این آیه هم به معنای شرافت و هم به معنای مکان و منزلت دانسته‌اند (همان: ۲۷/۴۲). از آنجا که حس انسان از بلندی، در نفس او تأثیر خاص و شکوهمندی دارد، خداوند این تعبیر را برای بهشت به کار برده است (سید بن قطب، ۱۴۲۵: ۶/۳۸۹۷). نیز خداوند فرموده است: ﴿وَعَدَ اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَمَسَاكِنَ طَيِّبَةً فِي جَنَّاتِ عَدْنٍ وَرِضْوَانٌ مِّنَ اللَّهِ أَكْبَرُ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ﴾ (توبه / ۷۲). در این آیه نیز با درجاتی از بهشت روبه‌رو هستیم که به ترتیب از باغ‌های پر از درخت شروع شده و به جنات عدن و سپس رضوان الهی می‌رسد و مورد اخیر را به عنوان درجه بالاتری از وعده الهی می‌یابیم (فضل‌الله، ۱۴۱۹: ۱۱/۱۶۲). بهشتیان نیز در بهشت دارای درجات متفاوتی هستند و این به همان استعاره مفهومی «بهشت دارای درجات است» بازمی‌گردد. این معنا را می‌توان در آیاتی از این دست مشاهده نمود: ﴿أَفَمَنِ اتَّبَعَ رِضْوَانَ اللَّهِ كَمَنْ بَاءَ بِسَخَطٍ مِّنَ اللَّهِ وَمَأْوَاهُ جَهَنَّمُ وَبُنْسِ الْمَصِيرِ ۝ هُمْ دَرَجَاتٌ عِنْدَ اللَّهِ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِمَا يَعْمَلُونَ﴾ (آل عمران / ۱۶۲-۱۶۳) و ﴿وَمَنْ يَأْتِهِ مُؤْمِنًا قَدْ عَمِلَ الصَّالِحَاتِ فَأُولَئِكَ لَهُمُ الدَّرَجَاتُ الْعُلَى﴾ (طه / ۷۵).



۷. بهشت محل زندگی / جاودان / مجلل / و... است

در همه ادیان و مذاهب، اعتقاد به جهانی بهتر و مطلوب‌تر وجود داشته است و پیروان آن‌ها بهشت را جایگاه اخروی نیکوکاران می‌پنداشته‌اند. بهشت همه ادیان و مذاهب «به رغم اختلافات زیاد در چهار چیز مشترک است: امنیت، سلامت، برکت و لذت» (مرکز فرهنگ و معارف قرآن، ۱۳۸۷: ذیل بهشت). این ویژگی‌ها در خلال آیات قرآنی که زندگی بهشتیان را وصف می‌کنند، نیز دیده می‌شود و در سطحی کلان، می‌توان آن را تحت استعاره مفهومی «بهشت محل زندگی است» در نظر گرفت. همان‌طور که پیشتر یاد شد، بهشت به عنوان پایان مسیر نیکوکاران مشخص شده است. پس نخستین ویژگی بهشت این است که بهشتیان به طور دائم در آن زندگی خواهند کرد. آیات بهشتی که حاوی عباراتی مشابه «وَهُمْ فِيهَا خَالِدُونَ» (بقره/ ۲۵؛ نساء/ ۱۳ و ۵۷؛ ... هستند، ناظر به همین استعاره مفهومی «بهشت محل زندگی جاودان است» می‌باشند.

از سوی دیگر، کیفیت زندگی در بهشت، در سطح عالی قرار دارد که می‌تواند تحت استعاره «بهشت محل زندگی مجلل است» مفهوم‌سازی شود؛ برای مثال، نوع زندگی بهشتیان در این آیات را بنگرید: «عَالِيَهُمْ ثِيَابٌ سُنْدُسٌ خُضْرٌ وَإِسْتَبْرَقٌ وَحُلُّوا أَسَاوِرَ مِنْ فِضَّةٍ وَسَقَاهُمْ رَبُّهُمْ شَرَابًا طَهُورًا» (انسان / ۲۱) و «مُتَّكِئِينَ عَلَى فُرُشٍ بَطَائِنُهَا مِنْ إِسْتَبْرَقٍ وَجَنَى الْجَنَّتَيْنِ دَانٍ» (رحمن / ۵۴). نیز برای بهشتیان در آیات مشابه (برای نمونه ر.ک: کهف / ۳۱؛ حج / ۲۳؛ فاطر / ۳۳)، لباس‌هایی از جنس دیا و ابریشم و دست‌بندهایی از طلا و نقره و مروارید، یاد شده است.

از دیگر ویژگی‌های کیفیت زندگی در بهشت، آرامش است. بهشتیان از هر گونه ناراحتی و پریشانی و ضعف و خستگی دور هستند و در کمال آرامش زندگی می‌کنند. بنابراین «بهشت محل زندگی دارای آرامش است» را می‌توان استعاره دیگری دانست که در چنین آیاتی نمایان است: «وَقَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَذْهَبَ عَنَّا الْحَزْنَ... لَا يَمَسُّنَا فِيهَا نَصَبٌ وَلَا يَمَسُّنَا فِيهَا لُغُوبٌ» (فاطر / ۳۴-۳۵) و «فَلَا حَوْلَ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» (احقاف / ۱۳). علاوه بر این، مفهوم آرامش و آسایش و آسودگی و دسترسی به امکانات گوناگون نیز از آیات مشابه (برای نمونه ر.ک: بقره / ۲۵؛ آل عمران / ۱۵؛ انعام / ۱۲۷؛ یونس / ۲۵؛ حجر / ۴۵ و ۴۸؛ کهف / ۳۱) استخراج می‌گردد. معنای سلامت را نیز در همین افق می‌توان دریافت. در

تفسیر آیه «أَدْخُلُوهَا بِسَلَامٍ آمِنِينَ» (حجر/ ۴۶) گفته شده که سلامت یعنی دور بودن از هر آفت و ضرر (طوسی، ۱۴۱۳: ۳۳۹/۶).

همچنین بهشتیان از امنیت کامل برخوردارند؛ مثلاً این مفهوم را در آیاتی می‌توان یافت که بهشت را «دار السلام» (انعام/ ۱۲۷؛ یونس/ ۲۶) معرفی کرده‌اند. نیز آیه «يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ وَلَا يُظَلَّمُونَ شَيْئًا» (مریم/ ۶۰) و «إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي مَقَامٍ آمِنٍ» (ذخا/ ۵۱) حاکی از استعاره مفهومی «بهشت محل امن / محل زندگی دارای امنیت است» می‌باشد. وجود نگهبانان در بهشت نیز ناظر به همین استعاره می‌باشد: «وَسِيقَ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ إِلَى الْجَنَّةِ زُمَرًا حَتَّىٰ إِذَا جَاؤُوهَا وَفُتِحَتْ أَبْوَابُهَا وَقَالَ لَهُمْ خَزَنَتُهَا سَلَامٌ عَلَيْكُمْ طِبْتُمْ فَادْخُلُوهَا خَالِدِينَ» (زمر/ ۷۳). البته اینکه بهشت نگهبان دارد را می‌توان حاکی از استعاره‌های دیگری مانند «بهشت دژ است» نیز دانست که به همان مفهوم امنیت بازمی‌گردد.

«بهشت محل زندگی لذت‌بخش است» نیز از اکثر آیاتی که به وصف ویژگی‌های بهشت می‌پردازند، قابل استخراج است؛ همچون: «وَفِيهَا مَا تَشْتَهِيهِ الْأَنْفُسُ وَتَلَذُّ الْأَعْيُنُ» (زخرف/ ۷۱). منظور از «مَا تَشْتَهِيهِ الْأَنْفُسُ» یعنی هر آنچه شهوت طبیعی بدن به آن میل دارد و شامل انواع چشیدنی‌ها، بوییدنی‌ها، شنیدنی‌ها و لمس‌کردنی‌هاست که همه آن‌ها زیبا و جذاب هستند (مدرسی، ۱۴۱۹: ۵۱۹/۱۲). لذت‌انسانی، یا مربوط به نفس است که در این آیه تعبیر به شهوت و اشتها شده و یا مرتبط با چشم است که تعبیر به لذت شده است. البته ممکن است که لذت‌های روحی و عقلی هم در لذت‌های چشم‌ها گنجانده شود؛ زیرا لذت روحی نیز خود، رؤیت و تماشای قلب است. از این روست که از جمله «مَا تَشْتَهِيهِ الْأَنْفُسُ وَتَلَذُّ الْأَعْيُنُ» به عنوان کوتاه‌ترین عبارت در وصف تمام انواع نعمت‌ها و لذت‌های بهشتی تعبیر شده است (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۸۳/۱۸).

۸. بهشت مهمانی است

برخی از آیات قرآن، ناظر به این استعاره مفهومی هستند که «بهشت مهمانی است». در آنجا قرار نیست انسان به زحمت بیفتد یا تکلیفی بر او باشد. هر چه هست، در خدمت اوست. این معنا را می‌توان از آیات متعدد استخراج نمود؛ از جمله: «يَطُوفُ عَلَيْهِمْ وِلْدَانٌ مُّخَلَّدُونَ ۖ بِأَكْوَابٍ وَأَبَارِيقٍ وَكَأْسٍ مِنْ مَعِينٍ» (واقع/ ۱۷-۱۸). تعابیر دیگر مانند

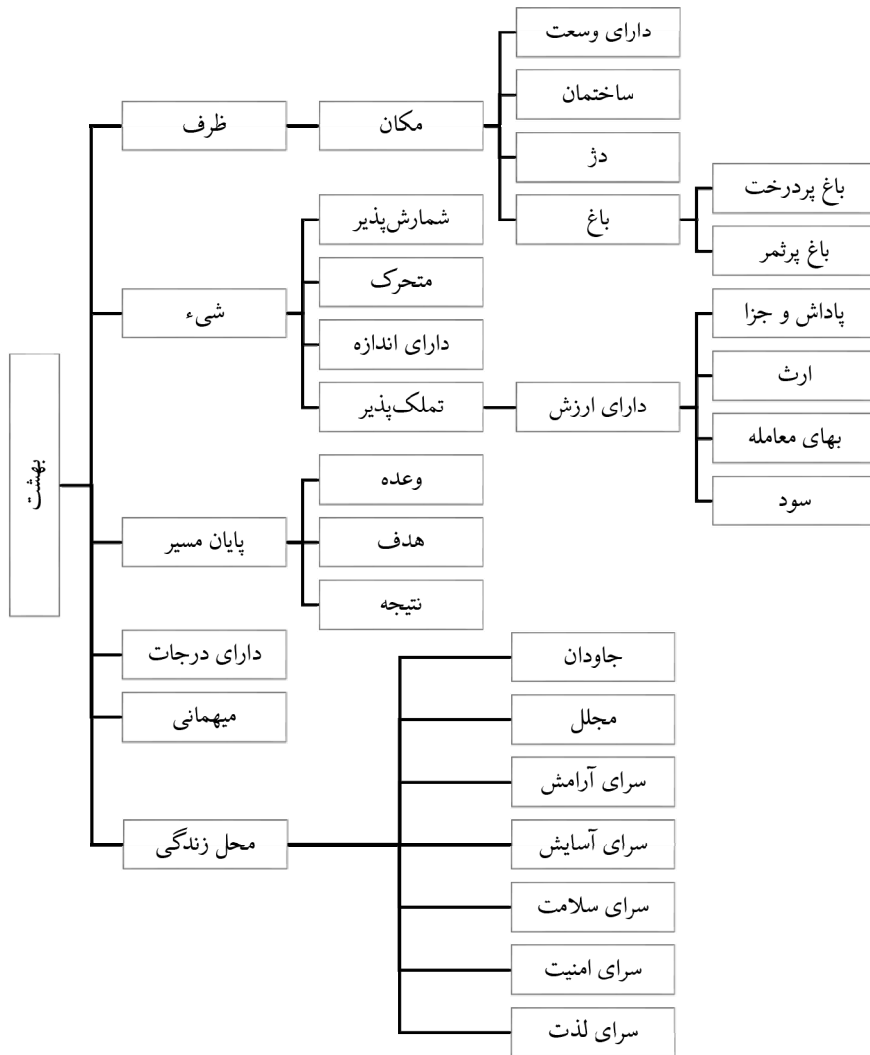
﴿وَيَطُوفُ عَلَيْهِمْ غِلْمَانٌ﴾ (طور / ۲۴)، ﴿يُطَافُ عَلَيْهِمْ بِكَأْسٍ مِنْ مَعِينٍ﴾ (صافات / ۴۵) و ﴿يُطَافُ عَلَيْهِمْ بِصِحَافٍ مِنْ ذَهَبٍ وَأَكْوَابٍ﴾ (زخرف / ۷۱) نیز مؤید معنای مهمانی بودن بهشت است. اینکه از بهشتیان در آغاز ورود آنان استقبال گرمی صورت می‌پذیرد، نیز شاهی بر این مطلب است (ر.ک: قشیری نیشابوری، ۲۰۰۰: ۲۷۳/۲). فرشتگان هنگام ورود اهل بهشت گویند: ﴿أَدْخُلُوهَا بِسَلَامٍ آمِينٍ﴾ (حجر / ۴۶) و ﴿أَدْخُلُوهَا بِسَلَامٍ ذَلِكَ يَوْمُ الْخُلُودِ﴾ (ق / ۳۴).

آنچه در بهشت نیست

علاوه بر استعاره‌هایی که مشخص می‌کنند مفهوم بهشت چه چیزهایی است، آیات متعددی نیز وجود دارند که بهشت را منزله از برخی چیزها می‌داند؛ مواردی همچون: تکلیف، رنج و خستگی، بیم و اندوه، بیماری‌های روحی، بیماری‌های جسمی، گرما و سرما، خواب، دفع فضولات، پیری و مرگ (محمدی ری‌شهری، ۱۳۹۰: ۲۴۹-۲۸۰). هر یک از این موارد را می‌توان ذیل استعاره‌های مفهومی مرتبط با معنای مخالف آن‌ها ذکر کرد؛ مثلاً آیاتی که رنج و خستگی، بیم و اندوه و انواع بیماری‌ها را از بهشتیان دور می‌داند، ناظر به همان استعاره‌های مفهومی سلامت، امنیت و لذت است. نیز آیاتی که بهشتیان را دور از مرگ و صف می‌کند، ناظر به استعاره مفهومی جاودانگی بهشت است.

ساختار مفهومی استعاره بهشت در قرآن کریم

یکی از ویژگی‌های استعاره‌های مفهومی این است که مفاهیم استعاری بدون مجموعه‌ای از استعاره‌ها کامل نیستند؛ برای مثال، عشق بدون استعاره‌های جادو، جنون، جاذبه، اتحاد، تغذیه و... عشق نیست (لیکاف و جانسون، ۱۳۹۷: ۳۱۳). «استعاره‌هایی که در ارتباط با یک پدیده در قرآن مطرح شده‌اند، هر یک ساختار جزئی به آن پدیده می‌دهند و آن پدیده را از ابعاد مختلفی در کانون توجه قرار می‌دهند» (قائم‌نیا، ۱۳۹۶: ۲۸۱-۲۸۲). اکنون و با توجه به مواردی از استعاره‌های مفهومی بهشت که یاد شد، این ساختار را برای مفهوم بهشت پیشنهاد می‌کنیم. البته این ساختار پیشنهادی، تنها نشان‌دهنده بخشی از استعاره‌های مرتبط با بهشت است که از آیات قرآن اتخاذ شده‌اند.



هدف استعاره مفهومی بهشت در قرآن کریم

قرآن شامل هر دو دسته از استعاره‌های مفهومی و سنتی است. ظهور استعاره‌ها در زبان، ظهوری ثانوی است؛ زیرا آن‌ها ماهیتی مفهومی دارند و بالذات به دستگاہ مفهومی و نحوه اندیشیدن آدمی مربوط می‌شوند. بنابراین استعاری بودن زبان قرآن به معنای استعاری بودن ساختار آن است و در نتیجه می‌توان گفت که اساساً تفکر دینی

استعاری است؛ پس زبان دینی نیز خصلتی استعاری دارد. «هدف قرآن، ایجاد تحول در اندیشه بشر از راه پدید آوردن فضا‌های استعاری مناسب بوده است» (همو، ۱۳۸۸: ۱۶۹). البته از اینکه تفکر بشر خصلت استعاری دارد و در نتیجه زبان او نیز چنین است، نباید نتیجه گرفت که قرآن از این جهت تفاوتی با زبان بشر ندارد؛ زیرا استعاری بودن زبان، دارای درجات متفاوتی است و «زبان قرآن بالاترین مراتب استعاری بودن» را دارد. نتیجه اینکه ساختار فکری قرآن نیز در بالاترین درجات استعاری بودن قرار دارد. استعاره‌های قرآن دارای ساختارهای پیچیده‌تری هستند؛ زیرا هر قدر اندیشه‌ای پیچیده‌تر باشد، زبان هم پیچیده‌تر خواهد بود (ر.ک: همو، ۱۳۹۶: ۱۶۸-۱۶۹).

زبان قرآن چگونگی فرارفتن از معانی حسی به معانی مجرد را نشان می‌دهد. قرآن کریم با فرایندی استعاری، حقایق غیبی و معنوی را در قالب امور مادی و حسی نشان می‌دهد. این استعاری بودن زبان قرآن را باید به معنای شناختی فهمید و نه به معنای ادبی. در واقع «قرآن برای بیان جهان‌بینی مورد نظرش، میان فضا‌های گوناگون، ارتباط معرفت‌شناختی و هستی‌شناختی برقرار می‌کند» (همان: ۱۶۹).

مخاطب قرآن، مفهوم بهشت را با این سازوکار استعاری درک کرده و این در جهان‌بینی و فهم او مؤثر بوده است. با دقت در این سازوکار، می‌توان گفت که بخشی از فهم و جهان‌بینی مخاطب قرآن، بهشت را طی مفاهیم این ساختار درک می‌کند و با کمک آن می‌توانیم سازوکار این فهم را بیشتر دریابیم. در بلاغت سنتی، اگرچه به آیات بهشت به طور مفصل پرداخته شده است، به ندرت این آیات از دیدگاه استعاری موشکافی شده‌اند. اینکه زبان قرآن استعاری است، بیشتر در سخن مفسران آمده است (همان: ۱۶۸). اما مهم این است که در پرتو مجموعه‌ای از استعاره‌های مفهومی، می‌توان نکات دیگری را نیز اضافه نمود و نگاه دقیق‌تر و جامع‌تری به این مهم داشت که مخاطب قرآن چگونه به درکی از مفهوم بهشت دست می‌یابد.

علاوه بر این، می‌توان گفت که شبکه مفهومی بهشت با دیگر شبکه‌های مفهومی نیز ارتباط دارد و بدین ترتیب فهم گسترده‌تری از آیات پدید خواهد آمد. مفاهیم و اصول اعتقادی مختلف در قرآن کریم با استعاره‌ها مفهوم‌سازی شده‌اند و قرآن همه این استعاره‌ها را به نحو نظام‌مند با یکدیگر مرتبط نموده است؛ مفاهیمی چون توحید، رابطه خدا با عالم

و آدم، شرک و ایمان، قیامت و بعث آدمیان، و حالت‌های درونی آدمی (همان: ۲۸۶).

شواهدی از تأثیر استعاره‌های مفهومی بهشت در روایات

یکی از راه‌های نشان دادن تأثیر مفهوم‌سازی قرآن در مخاطبان، مراجعه به سخنان پیشوایان معصوم علیهم‌السلام به عنوان گروهی برگزیده از مخاطبان کلام خداوند است. با مراجعه به سخنان این بزرگواران پیرامون بهشت و دوزخ، می‌توان این نشانه‌ها را به خوبی یافت. در موارد متعدد، وصف بهشت را می‌توان وامدار استعاره‌های قرآنی بهشت دانست و نه عین زبان قرآن؛ برای مثال، در کلام امام علی علیه‌السلام از بهشت به عنوان «غایة السابقین» (نهج‌البلاغه، ۱۴۱۴: خطبه ۱۵۷)، «أفضل غایة» (تمیمی آمدی، ۱۳۳۷: ح ۱۰۶۷) و «مآل الفائز» (همان: ح ۱۱۱۶) تعبیر شده است. این تعابیر را می‌توان شواهدی برای درک استعاری مفهوم بهشت تحت استعاره «بهشت هدف / پایان مسیر است» قلمداد کرد. ایشان همچنین بهشت را سرای امنیت معرفی نموده است (همان: ح ۳۹۷). نیز می‌فرماید: «اگر به خدا ایمان آوری و از حرام‌هایش پرهیز کنی، تو را در سرای امنیت جای می‌دهد» (همان: ح ۴۱۴۶).

اینکه بهشت سرای امنیت است، دقیقاً همان استعاره مفهومی است و عین این عبارت در زبان قرآن وجود ندارد. برای استعاره «بهشت پاداش است» نیز می‌توان به این نمونه‌ها از سخن امیرالمؤمنین علیه‌السلام اشاره کرد:

- «الجنة جزاء کل مؤمن محسن» (همان: ح ۱۴۶۰).

- «الجنة جزاء المطيع» (همان: ح ۴۷۲).

استعاره‌های مفهومی که بهشت را باغ‌های متعدد معرفی می‌کنند، نیز در روایاتی ظهور یافته که از باغ‌های بهشت یاد کرده‌اند؛ برای مثال، رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم مجالس دانشمندان را به عنوان یکی از باغ‌های بهشت معرفی می‌نماید (صدوق، ۱۴۱۳: ح ۵۸۸۸). مجالس ذکر خدا (ترمذی، ۱۴۱۹: ۵/۵۳۲)، مساجد (همان: ۴۹۸/۵)، جایگاه قبر امام حسین علیه‌السلام (صدوق، ۱۴۱۳: ۲/۵۷۹)، مسجد کوفه (کلینی، ۱۴۰۷: ۳/۴۹۳)، حالت بیماری فرد مؤمن (راوندی، ۱۴۰۷: ۱۶۸) و دیدار با برادران مؤمن (ابونعیم اصفهانی، ۱۳۹۴: ۹/۵) نیز از

دیگر باغ‌های بهشت عنوان شده‌اند (ر.ک: محمدی ری‌شهری، ۱۳۹۰: ۴۵۵-۴۶۷).

در برخی روایات، از کلیده‌های بهشت سخن رفته است؛ مثلاً گواهی دادن به یگانگی خداوند (برقی، ۱۳۷۱: ۱۸۱/۱)، صبر (عاملی جبعی، ۱۴۰۷: ۴۱)، نماز (ابن‌ابی‌جمهور احسائی، ۱۴۰۵: ۳۲۲/۱) و شمشیرهای جهاد (کلینی، ۱۴۰۷: ۲/۵)، به عنوان «مفاتیح الجنة» عنوان شده‌اند (ر.ک: محمدی ری‌شهری، ۱۳۹۰: ۲۸۹). فهم این عبارات را می‌توان متکی بر استعاره‌ای نظیر «بهشت ساختمان است» دانست؛ زیرا کلید داشتن، مستلزم در داشتن و آن هم مستلزم ساختمان بودن است. همچنین است موانع ورود به بهشت؛ بهشت همچون درّی است که نگهبانانی دارد و برای ورود به آن، اجازه و کلید لازم است و هر کسی نمی‌تواند به آن ورود یابد. رسول خدا ﷺ می‌فرماید:

- «بنده‌ای که در دلش به وزن یک دانه خردل تکبر باشد، هرگز وارد بهشت نخواهد شد» (کوفی اهوازی، ۱۴۰۲: ۶۱).

- «چون مؤمن بر در بهشت رسد، به او گفته می‌شود: جواز ورودت را نشان بده!» (مفید، ۱۴۱۳: ۳۵۰).

رسول خدا ﷺ ورود به بهشت را بر شخص بی غیرت حرام می‌داند (صدوق، ۱۴۱۳: ۲۸۱/۳). امیرالمؤمنین علیؑ می‌فرماید:

«ستمکار، بوی بهشت را استشمام نمی‌کند» (تمیمی آمدی، ۱۳۳۷: ح ۲۶۷۰).

درجات بهشت نیز مفهومی است که می‌توان آن را برگرفته از استعاره «بهشت دارای درجات است» دانست. پیشوایان معصوم علیهم‌السلام در موارد فراوان، بهشت را دارای درجات شمرده و به وصف درجات مختلف آن پرداخته‌اند. مثلاً رسول خدا ﷺ فرموده است: «بهشت صد درجه دارد و فاصله هر درجه تا درجه دیگر، به اندازه زمین تا آسمان است» (ابن ماجه قزوینی، ۱۴۱۸: ۱۲۶۱/۲).

مفهوم بهشت به عنوان کالا نیز مفهوم‌سازی شده است. این مفهوم‌سازی طی استعاره‌ای صورت گرفته که به جای اینکه خداوند خریدار و مؤمنان فروشنده باشند، مؤمنان بهشت را از خداوند خریداری می‌کنند و در ازای آن، به او عمل صالح می‌فروشند. این معنا تحت عنوان استعاره «بهشت شیء باارزش است» قرار می‌گیرد؛

برای مثال، رسول خدا ﷺ فرموده است:

«التوحيد ثمن الجنة» (طوسی، ۱۴۱۴: ۵۷۰).

نیز امام علی عليه السلام فرموده است:

- «ثمن الجنة العمل الصالح» (تمیمی آمدی، ۱۳۳۷: ح ۴۷۵۶).

- «جهاد الهوى ثمن الجنة» (همان: ح ۴۷۶۳).

نتایج استعاره‌های قرآن: مکانمندی، ریشه داشتن در تجربیات و جاودانگی

با دقت در ساختار مفهومی بهشت در قرآن کریم درمی‌یابیم که بهشت بیش از دیگر مفاهیم قرآنی، در قالب مفهوم‌های مرتبط با مکان‌ها و اشیا بازسازی شده است. از تحلیل این استعاره‌ها و دیگر استعاره‌های قرآن به این نتیجه می‌رسیم که آن‌ها به تجارب مادی و روابط بدنی بازمی‌گردند (قائم‌نیا، ۱۳۹۶: ۲۷۷). زبان بشر اولاً برای روابط زمانی و مکانی وضع شده است و در واقع از کاربردهای مادی شروع می‌شود؛ اما منحصر به این کاربردها نیست و مفاهیم فرامادی را نیز می‌تواند فهم کند. نکته مهم این است که تنها مدلی که انسان با آن آشناست و تجربیات او بر اساس آن شکل گرفته است، مدل مبتنی بر روابط مکانی است و در نتیجه از راه توسعه مفهومی این مدل، می‌تواند موارد غیر مکانی را درک نماید (همان: ۱۶۶).

در برخی پژوهش‌های مشابه، مانند پژوهشی که پیرامون استعاره‌های مفهومی مرتبط با خداوند در کتاب مقدس انجام شده (Sweetser & DesCamp, 2014: 21-23) نیز چنین نتیجه گرفته‌اند که استعاره‌های مربوط به روابط الهی - بشری، مانند دیگر استعاره‌های مهم برای انسان، ریشه در تجارب دارند. تجاربی که به طور بین‌الذهانی قابل دسترس^۱ نیستند و شامل تجربه‌های مذهبی و عرفانی می‌شوند، معمولاً به گونه‌ای استعاری و در قالب چارچوب‌هایی از تجربه که به طور بین‌الذهانی قابل دسترس هستند، بیان و فهم می‌شوند. بدین سان درمی‌یابیم که چرا مفهوم خداوند بیشتر توسط مفهوم پدر یا پادشاه مفهوم‌سازی شده است نه مثلاً مفهوم مادر یا کوزه‌گر. استعاره‌های روابط انسان و خدا

1. Intersubjectively accessible.

نیز از لحاظ شناختی شبیه دیگر استعاره‌ها هستند. آن‌ها متأثر از تجربیات بدنمند هستند و با تحولات فرهنگی تغییر می‌کنند. این بدان معنا نیست که تجارب ما از مفهوم خدا مادی است؛ بلکه به این معناست که ما برای درک این معنا، راه دیگری جز فهم از طریق مفاهیم بدنمند نداریم.

درباره استعاره‌های مکان و شیء بودن بهشت، به نظر می‌رسد برای فهم بهشت راه بهتری جز مفهوم‌سازی از طریق همین استعاره‌ها وجود ندارد. اما آیا می‌توان گفت که توصیف بهشت بر اساس استعاره‌های مفهومی مرتبط با باغ‌های سرسبز نیز ریشه در تجربه «زیسته» و جغرافیا و فرهنگ مردم حجاز داشته است؟ اگر این فرضیه را بپذیریم، می‌توانیم بگوییم که بهشت رؤیایی و ایده‌آل برای مردم آن سرزمین و در آن زمانه، چنین باغ سرسبزی بوده که خداوند توصیف کرده است. همچنین اگر در سراسر قرآن کریم، ادبیات مرتبط با بازرگانی و تجارت وجود دارد که به دلیل وجود استعاره‌های مفهومی مرتبط با بازرگانی و تجارت است، می‌توان ادعا کرد که این استعاره‌های مفهومی، ریشه در تجربه و فرهنگ مردم حجاز دارند که زندگی آن‌ها به بازرگانی و تجارت گره خورده بوده است. البته متکلمان میان زبان متون دینی و دیگر زبان‌ها فرق می‌گذارند. از نظر آنان، ساختار استعاره‌ها در متون دینی متفاوت از متون عادی است. اما این ادعا به طور تجربی مؤیدی ندارد و هیچ شهادتی یافت نمی‌شود که ثابت کند ذهن ما هنگامی که از بهشت صحبت می‌کنیم، اطلاعات را متفاوت از زمانی که راجع به چیز مادی یا غیرالهی صحبت می‌کنیم، پردازش می‌نماید. از دیدگاه شناختی، مفهوم بهشت لزوماً در همان قلمرو ظرفیت‌های شناختی بشر جای می‌گیرد و زبان متون دینی، عملکردی یکسان با زبان روزمره دارد (Id., 2005: 215). بنابراین می‌توان این ادعا را طرح نمود که آیات مرتبط با بهشت، تحت تأثیر فضای فرهنگی و تجربیات نخستین مخاطبان قرآن بوده است. اصولاً به کمک استعاره‌های مفهومی می‌توان جاودانگی قرآن را بهتر درک نمود. هیچ یک از استعاره‌های مرتبط با یک مفهوم، بدون تغییر نیستند. استعاره‌ها به ناچار تغییر می‌کنند؛ زیرا حوزه‌های مبدأ در زندگی واقعی تغییر می‌یابند. اینکه در نگاشت حوزه مبدأ به مقصد، کدام یک از ویژگی‌ها می‌باید منتقل شوند، مرتبط با زمینه‌های اجتماعی، فرهنگی، جغرافیایی و... است؛ مثلاً در استعاره‌های خداوند در

کتاب مقدس، مدل‌های باستانی پدر یا پادشاه بودن، با مدل‌های رومی آن متفاوت است، چنان‌که با نمونه‌های مدرن اروپایی یا آمریکایی پدر یا حاکم بودن نیز تفاوت دارد. علاوه بر این، حوزه‌های مقصد نیز تغییر می‌کنند؛ مثلاً ایده‌هایی که می‌گویند کدام خدا خوب است، در طول زمان تغییر می‌کنند. ایده‌های مجازات‌های دینی شامل جهنم هنوز به طور فرهنگی زنده‌اند؛ اما امروزه مدلی از «خدا» توسعه یافته که مهربان‌تر و بخشنده‌تر از چیزی است که در کتاب مقدس می‌بینیم (Id., 2014: 22).

ذهن بشر در زمان‌ها و مکان‌های مختلف، فهم‌های مختلفی از حوزه‌های مبدأ و مقصد دارد، پس فهم و شناخت کلی هم متفاوت است؛ مثلاً مفهوم قصرهای بهشت در فرهنگ‌های مختلف تفاوت دارد. علاوه بر این، ساختار کلی و به هم پیوسته استعاره‌های مرتبط با یک مفهوم هم با توجه به زمان و مکان متغیر است. یعنی هم یکایک استعاره‌ها و هم ساختار کلی آن‌ها دچار تغییر می‌گردند و بنابراین راه را برای سیال بودن متن قرآن و عدم وابستگی آن به مکان و زمانی خاص باز می‌کنند. البته الزامی برای این تغییرات وجود ندارد و ثبات نسبی برخی از استعاره‌ها را حتی با وجود تغییراتی در چارچوب‌ها و حوزه‌های مبدأ و مقصد، می‌توان منعکس‌کننده ثبات ساختارهای استنتاجی آن‌ها دانست (Ibid.: 23).

نتیجه‌گیری

بر خلاف نظریه سنتی بلاغت، با رویکردهای علوم شناختی می‌توان به جستجوی استعاره‌های مفهومی در قرآن کریم پرداخت. یافتن حوزه‌های مبدأ و مقصد در استعاره‌های مفهومی قرآن کریم، با تجارب روزمره و تحولات زمان و مکان و وضعیت فرهنگی هر دوره کاملاً همسو و هماهنگ پیش می‌رود و به قدرت فهم سیال مخاطبان قرآن در هر زمانه کمک می‌کند. در این میان، بیشترین مصادیق استعاره مفهومی در قرآن را درباره بهشت می‌توان جستجو کرد. بررسی استعاره بهشت در پرتو نظریه استعاره مفهومی لیکاف، به مخاطبان امکان می‌دهد که شبکه مفهومی منسجم و شفاف و روزآمدی برای بهشت از منظر قرآن کریم بیابند. با تتبع در روایات پیشوایان معصوم علیهم‌السلام، این جستجو قرائن بیشتر می‌یابد و همان فواید مفهومی را در آنجا نیز می‌توان دنبال نمود.

کتاب‌شناسی

۱. نهج البلاغه، گردآوری سید رضی، تحقیق صبحی صالح، قم، هجرت، ۱۴۱۴ ق.
۲. ابن ابی جمهور احسایی، محمد بن زین‌الدین علی بن ابراهیم، عوالمی اللئالی العزیزة فی الاحادیث الدینیة، قم، دار سیدالشهداء (عجلایه) للنشر، ۱۴۰۵ ق.
۳. ابن عاشور، محمد بن طاهر، التحریر و التنویر (تفسیر ابن عاشور)، بیروت، مؤسسة التاریخ العربی، ۱۴۲۰ ق.
۴. ابن ماجه قزوینی، ابو عبدالله محمد بن یزید، السنن، بیروت، دار الجیل، ۱۴۱۸ ق.
۵. ابونعیم اصفهانی، احمد بن عبدالله، حلیة الاولیاء و طبقات الاصفیاء، بیروت، دار الکتب العربی، ۱۳۹۴ ق.
۶. برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، چاپ دوم، قم، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱ ق.
۷. ترمذی، محمد بن عسی، الجامع الصحیح، قاهره، دار الحدیث، ۱۴۱۹ ق.
۸. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، غرر الحکم و درر الکلم، ترجمه محمدعلی انصاری، تهران، نشر محمدعلی انصاری القمی، ۱۳۳۷ ش.
۹. راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین بن محمد، مفردات الفاظ القرآن، ترجمه غلامرضا خسروی حسینی، تهران، مرتضوی، ۱۳۶۹ ش.
۱۰. راوندی، قطب‌الدین ابوالحسن سعید بن هبةالله، الدعوات، قم، مدرسه الامام المهدي (عجلایه)، ۱۴۰۷ ق.
۱۱. رشید رضا، محمد، تفسیر المنار، بیروت، دار المعرفه، ۱۴۱۴ ق.
۱۲. سید بن قطب بن ابراهیم شاذلی، فی ظلال القرآن، بیروت، دار الشروق، ۱۴۲۵ ق.
۱۳. سیدجوادی، احمدرضا و دیگران، دایرةالمعارف تشیع، تهران، نشر شهید سعید محبی، ۱۳۷۵ ش.
۱۴. صادقی تهرانی، محمد، الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنه، قم، فرهنگ اسلامی، ۱۴۰۶ ق.
۱۵. صدوق، محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، من لایحضره الفقیه، چاپ دوم، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۳ ق.
۱۶. طباطبایی، سیدمحمدحسین، تفسیر المیزان، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی، چاپ پنجم، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۴ ش.
۱۷. طبرسی، امین‌الدین ابوعلی فضل بن حسن، تفسیر مجمع البیان، ترجمه حسین نوری همدانی و دیگران، تهران، فراهانی، ۱۳۵۲ ش.
۱۸. طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن، الامالی، قم، دار الثقافه، ۱۴۱۴ ق.
۱۹. همو، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۳ ق.
۲۰. عاملی جبعی (شهید ثانی)، زین‌الدین بن علی، مُسکَنُ الْفُؤَادِ عِنْدَ فَقْدِ الْاَحَبَّةِ وَ الْاَوْلَادِ، قم، آل‌البيت، ۱۴۰۷ ق.
۲۱. فضل‌الله، سیدمحمدحسین، تفسیر من وحی القرآن، بیروت، دار الملائک للطباعة و النشر، ۱۴۱۹ ق.
۲۲. قائمی‌نیا، علیرضا، استعاره‌های مفهومی و فضا‌های قرآن، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۶ ش.
۲۳. همو، «نقش استعاره‌های مفهومی در معرفت دینی»، نشریه قیسات، دوره چهاردهم، شماره ۵۴، زمستان ۱۳۸۸ ش.
۲۴. قشیری نیشابوری، ابوالقاسم عبدالکریم بن هوازن بن عبدالملک، لطائف الاشارات، قاهره، الهيئة المصریة العامة للکتاب، ۲۰۰۰ م.

۲۵. کاشانی، ملافتح‌الله بن شکرالله، *تفسیر منهج الصادقین فی الزام المخالفین*، تهران، کتاب‌فروشی اسلامیة، ۱۳۳۶ ش.
۲۶. کلینی، ابوجعفر محمد بن یعقوب، *الکافی*، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ ق.
۲۷. کوفی‌اهوازی، حسین بن سعید، *الزهد*، قم، المطبعة العلمیه، ۱۴۰۲ ق.
۲۸. لیتل‌مور، جنت، و جان آر. تیلور، *درآمدی بر نظریه‌های زبان‌شناسی شناختی*، ترجمه پارسا بامشادی و شادی انصاریان، اصفهان، کاوشیار، ۱۳۹۵ ش.
۲۹. لیکاف، جورج، «نظریه معاصر استعاره» [پیوست]، *استعاره‌هایی که با آن‌ها زندگی می‌کنیم*، ترجمه جهان‌شاه میرزاییگی، تهران، آگاه، ۱۳۹۷ ش.
۳۰. لیکاف، جورج، و مارک جانسون، *استعاره‌هایی که با آن‌ها زندگی می‌کنیم*، ترجمه جهان‌شاه میرزاییگی، تهران، آگاه، ۱۳۹۷ ش.
۳۱. محمدی ری‌شهری، محمد، *بهشت و دوزخ از نگاه قرآن و حدیث*، قم، دار الحدیث، ۱۳۹۰ ش.
۳۲. مدرسی، سیدمحمدتقی، *من هدی القرآن*، تهران، دار محبتی‌الحسین (ع.ا.س)، ۱۴۱۹ ق.
۳۳. مرکز فرهنگ و معارف قرآن، *دائرة المعارف قرآن کریم*، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۷ ش.
۳۴. معمر بن مثنی‌تیمی، ابو عبیده، *مجاز القرآن*، بیروت، مؤسسة الرساله، ۱۴۰۱ ق.
۳۵. مغنیه، محمدجواد، *التفسیر الکاشف*، قم، دار الکتب الاسلامیه، ۱۴۲۴ ق.
۳۶. مفید، محمد بن محمد بن نعمان عکبری بغدادی، *الاختصاص*، قم، المؤتمر العالمی لالفیه الشیخ المفید، ۱۴۱۳ ق.
۳۷. مکارم شیرازی، ناصر، *تفسیر نمونه*، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱ ش.
۳۸. موسوی بجنوردی، سیدمحمدکاظم، *دائرة المعارف بزرگ اسلامی*، تهران، مرکز دایرة المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۸۳ ش.
۳۹. هاشمی رفسنجانی، اکبر، *فرهنگ قرآن*، قم، بوستان کتاب، جلد ۶، ۱۳۸۵ ش.
40. Dancygier, Barbara & Eve Sweetser, *Figurative Language*, New York, Cambridge University Press, 2014.
41. Sweetser, Eve & Mary Therese DesCamp, "Metaphors for God: Why and How Do Our Choices Matter for Humans? The Application of Contemporary Cognitive Linguistics Research to the Debate on God and Metaphor", *Pastoral Psychology*, Vol. 53, No. 3, 2005.
42. Id., "Motivating Biblical Metaphors for God: Refining the Cognitive Model", in: *Cognitive Linguistic Explorations in Biblical Studies*, by Bonnie Howe & Joel B. Green (Eds.), Munich, de Gruyter, 2014.

تَرْجَمُ حِكْمَهُمَا

موجز المقالات

دراسة حول مفهوم الانفعالات في آيات القرآن الكريم وعلاقته بالنموّ

- جميلة علم الهدى (أستاذة مشاركة بجامعة الشهيد بهشتي)
- فاطمة هدائي (طالبة المستوى الثاني في حوزة قدسيّة العلميّة ببهشهر)
- عاتكة قاسم زادة (دكتوراه في الفقه ومبادئ القانون الإسلامي بجامعة مازندران)

الهدف من هذه المقالة معرفة مفهوم الانفعال وعلاقته بالنموّ، وتقديم نموذج مفاهيمي لمسار العاطفة وفق آيات القرآن الكريم وتفسير الميزان ومبادئ الحكمة العالية. منهج هذا البحث هو تحليل المحتوى. أظهرت النتائج أنّ قلب الإنسان هو مكان للعاطفة، وقساوة القلب يمكن أن تكون مؤثرة في عدم تلقّي المشاعر وفهم معاني الحق. كذلك فإنّ بعض المشاعر ترتبط بمقام الإدراك، وبعضها الآخر بمقام التعبير والعمل. بعض أنواع الانفعالات هي نفسها بين البالغين وغيرهم، بينما بعض الانفعالات خاصّة بمجموعة معيّنة من الناس. بموجب الآيات والتفاسير فإنّ شدّة الانفعال بحسب نوع الانفعال في بعض الحالات، هي علامة على النضج. كما أنّ العواطف هي أحد عوامل الحفاظ على النفس، وفي التعاليم الإسلاميّة يرتبط الحفاظ على الذات بالحياة الدنيويّة والأخرويّة. يبدو أنّه في مجال التعبير عن الانفعالات والتحكّم بها، بالإضافة إلى الحالتين

الواعية واللا واعية يمكن تصوّر حالة ثالثة، وهي أنّ الله يفيض على الشخص العاطفة أو يتحكّم بها عن طريق وصول الشخص إلى منزلة الإيمان والتقوى وأمثال ذلك. وعلى العكس من ذلك فإنّ بعض الانفعالات السلبيّة تدخل على الكفّار والمشرّكين، وهي في الحقيقة نتيجة كفرهم وشركهم.

الكلمات الأساسيّة: الانفعال، التحكّم بالانفعال، ظهور الانفعال، انفعالات النفس، العواطف.

دراسة تحليليّة مقارنة للقيادة

وشروطها في تفسيرين «المنير» و«من وحي القرآن»

- ناصر معروف (طالب دكتوراه في علوم القرآن والحديث بجامعة الرضويّة للعلوم الإسلاميّة)
- محمّد ميرزائيّ (أستاذ مساعد بجامعة الرضويّة للعلوم الإسلاميّة)
- حسن خرقانيّ (أستاذ مشارك بجامعة الرضويّة للعلوم الإسلاميّة)

القيادة مسؤوليّة هداية المجتمع، تضع الخطط وتقرّر برامج الدين وترسى المعتقدات الخاصّة. إنّها أصل ضروريّ لرقىّ المجتمع، وإذا كان المجتمع مجتمعًا إسلاميًا، وبرنامج العمل وفقًا للقرآن الكريم وسنة رسول الله ﷺ كان لا بدّ أن تتمتع القيادة بشروط وخصائص تختلف عن سائر القيادات الأخرى؛ لوجوب تنفيذ الأوامر الصادرة عنها على كلّ مكلف. وكلّ واحدة من الفرق والمذاهب الإسلاميّة قدّمت تعريفًا خاصًا وشروطًا مختلفة عن بعضها الآخر لمسألة قيادة المجتمع رغم اعتمادها بشكل خاصّ على الوحي، وقد كان هذا الموضوع محطًا للكثير من البحث والمناظرة والمجادلة بعد عصر الرسالة. وقد شكّلت آيات القرآن الكريم باعتبارها فصل الخطاب المصدر الأوّل لنظرة المسلمين لموضوع الإمامة والقيادة ومنطلقهم الأساسيّ في تفسير ذلك. تتبع هذه المقالة منهجًا توصيفيًا تطبيقيًا لرصد شروط القيادة الأساسيّة عند مفسّرين بارزين في العالم الشيعيّ والسنيّ هما: العلامة محمّد حسين فضل الله، وهبة الزحيليّ؛ إذ مبانيهما السياسيّة والفقهية متغايرة، وشروط القيادة متفاوتة على رؤية كلّ مفسّر. ونتيجة هذه الدراسة التوصيفيّة بين المفسّرين، فأحدهما يشير إلى واقع الشرعيّة لا إلى شرعيّة الواقع.

الكلمات الأساسيّة: القائد، الإمامة، التفسير التطبيقيّ، التفسير المنير، من وحي القرآن.

نظرة قرآنية لمفهوم «الأمن الاقتصادي» ورسم نظام معرفة الأضرار وتوفيره

- سيد أبو ذرّ حسيني (طالب دكتوراه في علوم القرآن والحديث بالجامعة الرضوية للعلوم الإسلامية)
- جواد يرواني (أستاذ مشارك في قسم علوم القرآن والحديث بالجامعة الرضوية للعلوم الإسلامية)
- مرتضى مرتضوي كاخكي (أستاذ مساعد في قسم الاقتصاد بالجامعة الرضوية للعلوم الإسلامية)

الأمن الاقتصادي من القضايا الهامة والاهتمامات اليومية لأفراد المجتمع، ولا يخفى على أحد دوره الفاعل في المجتمع. لكن بسبب الجدل الكبير حول مفهوم «الأمن الاقتصادي» فقد قَدّم هذا البحث إعادة التعريف القرآني لهذا المفهوم؛ وبهذه الطريقة ومع دراسة استخدام كلمتي «الأمن» و«القصدي» ومشتقاتها في القرآن، ومع ملاحظة أنّ ألفاظ القرآن هي وحى وغير محرّفة، وحيّة ظواهر القرآن وكذلك الاعتقاد بالترتيب والاستخدام الحكيم لكلمات القرآن، فقد تمّ إلقاء نظرة جديدة على هذا المفهوم الاقتصادي الهام، ليقدّم في النهاية بنية منهجية ومنسجمة وفعّالة للأضرار ومنهج توفير الأمن الاقتصادي مع التركيز على الله تعالى. تشير نتائج البحث أنّه من منظور القرآن الكريم فإنّ تعريف «الأمن الاقتصادي» يتوافق مع بعض التعاريف الموجودة، بل إنّه يؤكّد أيضًا على الشعور بالثقة بقدرة التمتع النسبية اعتمادًا على التدبير الحكيم للمعيشة المتوازنة والهادفة والمقاومة. إضافة إلى ذلك تمّ رسم النهج الرئيسي لتعاليم الوحي لتوفير الأمن الاقتصادي المنهجي، مع إيلاء اهتمام خاصّ للعوامل والسياقات في الأقسام الثلاثة، المعتقدات والثقافات والسلوكيات الوقائية لمنع الضرر.

الكلمات الأساسية: القرآن الكريم، الاقتصاد، الأمن، الأمن الاقتصادي، الاقتصاد الإسلامي.

هيكل ونتائج الاستعارة المفهومية للجنة في القرآن الكريم

- سيد أبو القاسم حسيني (زرفا)
 - عضو الهيئة التدريسية بجامعة الأديان والمذاهب
- أحد المواضيع التي كانت دائمًا في قلب المناقشات البلاغية لباحثي القرآن الاستعارة وكيفية تأثيرها على لغة القرآن. مع ظهور العلوم المعرفية وإدخال نظرية الاستعارة المفاهيمية من قبل جورج لاكوف، فقد تطوّرت هذه الدراسات وتمّ تقديم طرق لفهم

النصوص بشكل أفضل في ضوء هذه النظرية. الهدف من هذه الدراسة التي تم إجراؤها بمنهج وصفي - تحليلي ومع التحليل النوعي، دراسة أدلة الاستعارات المفاهيمية في القرآن ونتائجها في بناء مفهوم لمخاطبي هذا الكتاب السماوي. لهذا السبب تم اختيار مفهوم الجنة كدراسة حالة ثم تمت دراسة استعاراتها المفاهيمية في نطاق الآيات المتعلقة بالجنة وفي النهاية تم تقديم هيكل لها. كما تم تقديم أدلة على هذا النوع من الاستعارة في روايات الأئمة المعصومين عليهم السلام. مع التأمل في الهيكل المذكور يتم تحديد ما هي الحالات التي يمكن تصورها للجنة وكيف تتجدر في تجاربنا اليومية للحياة. الكلمات الأساسية: الاستعارة المفاهيمية، الجنة، القرآن، جورج لاكوف، التاريخ.

نقد وتحليل الآراء في آية «لَتَرْكَبُنَّ طَبَقًا عَنْ طَبَقٍ» وفهمها على أساس نظرية تعدد المعاني

- ليلا عليخانتي (طالبة دكتوراه في علوم القرآن والحديث بجامعة ميبد)
- أحمد زارع زرديني (أستاذ مشارك في قسم علوم القرآن والحديث بجامعة ميبد)
- محمّد حسين برومند (أستاذ مشارك في قسم علوم القرآن والحديث بجامعة يزد)
- أمير جودوي (أستاذ مشارك في قسم علوم القرآن والحديث بجامعة يزد)

تتميز الآية التاسعة عشر من سورة الانشقاق التي قدم المفسرون في تفسيرها العديد من الآراء، وسموها أحياناً بالمجمل، بأن لها معانٍ عديدة. المقصود من تعدد المعاني في الآية ليس بمعنى الغموض في المعنى الذي يحدث في كلام المتحدث دون قصد؛ بل تدل على قدرة الله وحكمته في اختيار الكلمات والتراكيب التي تعبّر في الوقت نفسه عن عدة معان كما أنّ مقصودها هو جميع المعاني أيضاً. تقوم هذه المقالة التي كتبت بمنهج نقدي تحليلي بشرح آراء المفسرين أولاً، وبعد دراسة موجزة للآراء تقوم بالنظر في لدراسة فرضية تعدد المعاني في الآية. السياقات والأمور التي تؤثر على حدوث هذه المسألة في الآية القيد البحث هي: تعدد المعاني في تشكّل وكلمات الآية، تعدد القراءات، التركيب النحوي للجملة والسياق اللغوي للسورة أو سياق الكلام. وجوه المعاني التي يمكن حصرها للآية هي: ١- أتباع السلف ووقوع السنن الإلهية بين مخاطبي القرآن، ٢- تحوّل الأجيال، ٣- دخول صحراء الحشر، ٤- الدخول بين الأمم السابقة في

الجحيم، ٥- صعود الإنسان إلى السماء، ٦- معراج النبي محمد ﷺ. بالنظر إلى عدم وجود تعارض بين المعاني المذكورة فيما بينها، مع مجمل النص والعلوم الدينية المسلمة، يمكن قبولها جميعاً على أنها معانٍ متعدّدة للآية وهي المقصود المحتمل لله تعالى. الكلمات الأساسية: تفسير القرآن، سورة الانشقاق، «لَتَرْكَبَنَّ طَبَقًا عَنْ طَبَقٍ»، تعدّد المعاني.

مقدّمة لبعض أهمّ طرق البحث القرآنيّ للمستشرقين مع التأكيد على الولايات المتحدة الأمريكية

- سيّد حسين علويّ (طالب دكتوراه في فرع القرآن والمستشرقين بجامعة المصطفى العالمية)
- محمّد جواد إسكندرلو (أستاذ مشارك بجامعة المصطفى العالمية)
- محمّد حسن زمانّي (أستاذ مساعد بجامعة المصطفى العالمية)

تعدّ دراسة الأساليب التي يستخدمها باحثو القرآن غير المسلمين أو من يُسمّون بمستشرقى القرآن، من أحدث المواضيع التي تهتمّ الدراسات القرآنيّة. تمّت المحاولة في هذا البحث اكتشاف وشرح وتحليل بعض أهمّ طرق البحث القرآنيّ للمستشرقين بطريقة موجزة. إنّ أساليب البحث القرآنيّ للمستشرقين ضمن تأثيرها بالنماذج الفكرية والعلمية الرائجة في الغرب ونقد الكتاب المقدّس، فهي متنوّعة للغاية وأهمّها منهج النقد النصّيّ، منهج النقد الأدبيّ، وهما من الأساليب الفرعية للنقد التاريخيّ بمعناه العامّ، ومنهج نقد علم الظواهر ومنهج النقد المقارن الذي يتناوله هذا البحث. وكانت النتيجة أنّ هذه الأساليب غالباً ما كان لها نفس نظرة العهد للقرآن الكريم، دون الاهتمام بالاختلافات الجوهرية وسياقات القرآن مع نصوص العهد المحرّفة، وقد اعتبروا القرآن بمثابة نصّ بشريّ، وفرضوا عليه طرقاً متوافقة مع النظرة الماديّة للعالم والخاصّة بالنصوص البشرية. الكلمات الأساسية: القرآن، منهج النقد التاريخيّ، منهج علم الظواهر، منهج المقارنة، طرق البحث القرآنيّ للمستشرقين.

دراسة مقارنة لـ«إسماع وسماع الموتى» في تفاسير الفريقين

- سيّد ضياء الدين عليا نسب (أستاذ مشارك في قسم القرآن والحديث بجامعة حضرة معصومة ﷺ بقم)

- صمد بهروز (أستاذ مساعد في قسم المعارف الإسلامية بكلية الإلهيات بجامعة تبريز)
- نسرین رنجبری (خريجة الحوزة العلميّة للأخوات بتبريز)

تمّ في هذا البحث دراسة الآيات القرآنية التي تدلّ على «عدم إسماع الأموات» من وجهة نظر المفسّرين الشيعة وأهل السنّة لتحديد وجهة النظر الصحيحة في هذا الصدد منذ بداية الإسلام حتّى الآن، وجرّت محاولة لتوضيح منذ متى دخلت الآراء المنحرفة إلى عقائد المسلمين. وقد خلصت هذه الدراسة باستخدام منهج المكتبة ودراسة الآيات القرآنية التي استدلّ بها منكرى قدرة الموتى على السماع والتفسيرات الشيعة والسنّية، إلى أنّ كلمتي «الموت» و«السمع» لها معانٍ مختلفة، وفي الآيات المذكورة كان معنى «الموت» موت القلب والقوّة العاقلة، وكلمة «السمع» ليس بمعنى السمع الحسّي بل بمعنى الفهم والإدراك، وهذه الآيات تشير إلى عدم فهم وإدراك الآيات لمن ماتت قلوبهم. وكانت نتيجة البحث أنّه حتّى القرن السابع الميلاديّ لم يزعم أيّ مفسّر عدم سماع الموتى، بعد ذلك تسرّبت هذه الفكرة إلى المواضيع الإسلاميّة خاصّة بعد ترويج أفكار ابن تيميّة وانتشارها، فهي ليست عقيدة إسلاميّة أصيلة، وعلى فرض وجود هذه الدلالة في الآية فإنّ صيغة «لا تسمع» لا تدلّ على عدم سماع الموتى، بل إنّها استدلّ على عدم قدرة منادى الموتى على إسماعهم، وليس هناك ملازمة بين عدم القدرة على إسماع الموتى أو سماعهم.

الكلمات الأساسيّة: الوهابيّة، الموتى، سماع الأموات، إسماع الأموات، ابن تيميّة.

تحليل مقترح إشادة «البناء» و«المسجد» على أصحاب الكهف من منظور الفريقين (وعلاقة ذلك بموضوع بناء قبور الصالحين وموضوع الزيارة)

- زهرة أخوان مقدّم (أستاذة مشاركة بجامعة علوم ومعارف القرآن الكريم)
- مجيد زيدى جودكى (دكتوراه في علوم القرآن والحديث)

في العصر الحديث تجرى الأبحاث المقارنة بين المذاهب بشكل رئيسيّ في المجال الشيعيّ بهدف دراسة آراء الفريقين ونقدها وتقييمها. في هذا السياق يتناول هذا البحث دراسة الآية الحادية والعشرين من سورة الكهف التي اختلفت حولها آراء مفسّري الفريقين، وكذلك الروايات التفسيرية لأهل البيت (عليهم السلام) والصحابة والتابعين. وبهذه

الطريقة تمّ عرض أقوال المفسّرين الصحابة والتابعين من جهة، وروايات أهل البيت عليهم السلام من جهة ثانية، ثمّ ومع تطبيق آراء المفسّرين الشيعة والسنة تمّ تقييم آرائهم. من خلال هذه الدراسة المقارنة تبين أنّ اقتراح بناء مسجد لأصحاب الكهف لم يكن من قبل المشركين والزنادقة، بل من قبل الموحّدين. من الأدلّة التي استُخدمت لتأكيد هذه النظرية يمكن الإشارة إلى سياق الآية والمحور الرئيس للسورة وسياقها والآيات الأخرى التي تشتمل على «البناء»، وكذلك سكوت القرآن على هذا الاقتراح. من جهة أخرى تمّت الإجابة على الشبهات التي أوردها أهل السنة على هذه النظرية.

الكلمات الأساسية: سورة الكهف، المسجد، السياق، الوهائية، بناء القبور، الزيارة، دراسة مقارنة.

نطاق حجّية العقل المصدر في تفسير القرآن مع التأكيد على تفسير مناهج البيان

□ محمّد هادي قهاري كرماني

□ أستاذ مساعد في قسم المعارف الإسلامية بكلية القانون والإلهيات بجامعة الشهيد باهر كرماني

هناك خلاف في الرأي بين المدافعين عن التفسير الاجتهاديّ حول نطاق ودائرة حجّية العقل في تفسير القرآن. بما في ذلك الاختلاف الموجود بين المفسّرين التابعين لمدرسة الفصل والمعارضين لهم في هذا الصدد. تطلق مدرسة الفصل على النظام المعرفيّ الذي يصرّ على فصل القرآن والبرهان والعرفان (النقل والعقل والكشف)، ويعتقد أنّ هذه الثلاثة هي طرق ومصادر للمعرفة ولا علاقة لمنتجاتها ببعضها البعض على الإطلاق، ولا ينبغي الاستفادة من بيانات كلّ مصدر من مصادر المعرفة هذه لفهم وتفسير معطيات المصدرين الآخرين. قمنا في هذه المقالة بشرح وجهات نظر آية الله ملكي ميانجيّ في تفسير مناهج البيان باعتباره واحد من المدافعين عن مدرسة الفصل في خصوص نطاق حجّية العقل المصدر في تفسير الوحي. في البداية تمّ توضيح المقصود من العقل وأنواعه (العقل المصدر والعقل المصباح)، وبناءً على ذلك تمّ تقسيم التفسير الاجتهاديّ للقرآن إلى ثلاثة أنواع العقليّ والنقلّيّ والكشفيّ، ونظرًا إلى أنّ العقل المصباح والكشف والشهود خارج عن عنوان المقالة تخصّصًا، لذلك واصلنا البحث حول نطاق العقل

المصدر، وتناولنا دراسة أنواع التفسير الاجتهادى العقلانى، أى البديهيات العقلية، والبراهين العقلية، والأسس الكلامية والفلسفية والعلمية وإدراكات العقل العملى فى مناهج البيان. وخلصنا إلى أنه بغض النظر عن الأسس الفلسفية والعلمية، فإن الأنواع الأخرى للتفسير الاجتهادى العقلانى مطروحة فى تفسير مناهج البيان؛ لذلك من وجهة نظر آية الله ملكى فإن نطاق حججة العقل المصدر فى تفسير القرآن تشمل جميع الأنواع المذكورة غير الأسس الفلسفية والعلمية. منهج البحث فى هذه المقالة تحليلى توصيفى. الكلمات الأساسية: مدرسة الفصل، آية الله ملكى ميانجى، مناهج البيان، الحجية، العقل المصدر، التفسير الاجتهادى.

دراسة نقدية لرأى آية الله معرفة حول التفسير العرفانى

□ رسول مزرىئى

□ خزيج المستوى الرابع فى الحوزة العلمية

قدم علماء علوم القرآن آراء مختلفة فى باب التفسير العرفانى. ومن هؤلاء العلماء محمّد هادى معرفة. بحسب رأيه فإن مستند تفاسير أهل المعرفة هو الذوق الشخصى، وتفسيرهم من مقولة التفسير بالرأى. كما أن المقصود من كلمة بطن الواردة فى الروايات هو الدلالة الالتزامية غير البيّنة للكلام، وكذلك التفاسير العرفانية من باب تداعى المعانى. فى المقال الذى بين أيدينا وبعد جمع المعطيات بطريقة المكتبة، تمّ تقييم رأيه هذا حول التأويل والتفسير العرفانى بمنهج تحليلى، وقد خلص المقال إلى النتيجة التالية: أولاً قسم من تفاسير العرفاء هو شرح للمعانى الباطنية للقرآن، وقد استفادوا فى تفسير الآيات وتأويلها من الطرق المتداولة لفهم النص. ثانياً تأويل القرآن ليس دائماً من باب الدلالة الالتزامية غير البيّنة، لكنّه غالباً ما يكون بمعنى باطن كلام الوحي وأحياناً الجرى والتطبيق. ثالثاً: التفاسير العرفانية ليست من باب تداعى المعانى، بل هى إشارات ولطائف تدخل قلوب أهل المعرفة بعد التلاوة الباطنية للقرآن، وتعتبر فهمًا جديدًا، وفى أغلب الحالات لا توجد خلفيات ذهنية حولها حتى تُعدّ من باب تداعى المعانى. الكلمات الأساسية: التفسير العرفانى، محمّد هادى معرفة، التفسير بالرأى، التأويل، الدلالة الالتزامية غير البيّنة، تداعى المعانى.

التحقّق من صحّة نظريّة الإعجاز النفسى للقرآن

مع التأكيد على آراء أمين الخولى

- سيّد محمود طيّب حسيني (أستاذ مشارك بمركز بحوث الحوزة والجامعة)
- سيّد إبراهيم مرتضوى (دكتوراه فى علوم القرآن والحديث)

«إعجاز القرآن» من المواضيع التى تناولها أساتذة علوم القرآن، ومن النظريات التى طرحوها فى هذا الصدد نظرية «الإعجاز النفسى». الدراسة الحالية هى نوع من البحوث المكتبية التى تناولت الإعجاز النفسى للقرآن بمنهج وصفى - تحليلى من منظور الأديب المصرى «أمين الخولى». من منظور الخولى فإنّ الإعجاز النفسى يعتبر واحداً من وجوه الإعجاز الأدبى - البيانى للقرآن، والمقصود منه أنّ القرآن وبقصد تربية الإنسان وإصلاح المجتمع قد أخذ بعين الاعتبار فى دعوته الزوايا الخفية للنفس البشرية، ومعرفة القرآن العميقة لتلك الزوايا - وهذا ما تؤكده التصريحات العلمية المعاصرة عن نفسية الإنسان - دليل على ألوهية القرآن وإعجازاته. ومع ذلك، فإنّ نظرية الخولى تواجه العديد من الإشكالات والغموض؛ أولها أنّ المقدمات التى وضعها لنظريته تتعارض مع بعضها البعض فى بعض الجوانب والمكونات؛ ثانياً أنّ أسس رأيه تتعارض مع بعض ضروريات الدين؛ ثالثاً أنّه لم يشرح بعض المفاهيم الأساسية لنظريته، ورابعاً الأدلة على نظريته غير كاملة من حيث الكمّ والنوع.

الكلمات الأساسية: القرآن، الإعجاز النفسى، الإعجاز الأدبى، أمين الخولى.

خصائص التفسير العصرى فى التفسير الترتيبى المعاصر

- بريوش حسين يور (طالبة دكتوراه فى علوم القرآن والحديث بجامعة آزاد الإسلامية أبادان)
 - سعيد عباسى نيا (أستاذ مساعد فى قسم علوم القرآن والحديث بجامعة آزاد الإسلامية أبادان)
 - سيّد حسام الدين حسيني (أستاذ مساعد فى قسم علوم القرآن والحديث بجامعة آزاد الإسلامية أهواز)
- يعتبر التفسير المعاصر من أهمّ المناهج التفسيرية، حيث نشأ من تقديم رسائل القرآن بما يتناسب مع متطلبات العصر والاحتياجات المعاصرة. من القضايا التى يبدو من الضرورى معالجتها والتطرّق إليها هى دراسة خصائصه بأشكال تفسيرية مختلفة، إنّ دراسة خصائص التفسير المعاصر فى قالب خاصّ أو فى قالب تفاسير فترة زمنية محدّدة،

يمكن أن يكون مفيداً في فهم طبيعة هذا المنهج. كما يمكن أن يكون مؤثراً في معرفة مكانة هذا المنهج ودوره وتأثيره. على الرغم من أهميّة التطرّق إلى هذا الموضوع والمكانة الهامّة لهذا المنهج في مجال التفسير، وخاصّة التفسير المعاصر، إلا أن هذه المسألة لم يتمّ النظر فيها ولا حتّى معالجتها إلى الآن. من هذا المنطلق تمّ السعي في هذه المقالة ومن خلال البحث في التفاسير الترتيبية المعاصرة، الإجابة على هذا السؤال: ما هي خصائص التفسير المعاصر في التفاسير الترتيبية المعاصرة؟ بحسب نتائج البحث الذي تمّ إجراؤه باستخدام منهج تحليل المحتوى النوعي ودراسة المصادر التفسيرية المعاصرة، فإنّ التفسير المعاصر هو نهج يحاول فيه المفسّر تفسير القرآن بما يتناسب مع احتياجات وشروط ومتطلّبات عصره. ومن هنا وفي الفترة المعاصرة تسببت الدوافع والعلوم وتخصّص المفسّرين، ومتطلّبات العصر واحتياجاته، والتغيّرات الاجتماعيّة والسياسيّة والثقافيّة والقضايا والمناقشات الفكرية في هذه الفترة، إلى ظهور طابع خاصّ من التفسير العصريّ في التفاسير الترتيبية، حيث تتمتع بميزات وخصائص مثل: التأكيد على وحدة موضوع الآيات لكلّ سورة، تنظيم الآيات، تطوير مصاديق الآيات، الإجابة على القضايا والشبهات حديثة الظهور والاهتمام بإقناع الجمهور.

الكلمات الأساسية: التفسير العصريّ، الحداثة، التفسير الترتيبية، التفاسير المعاصرة.